

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

یوری امیلیانوف*
برگردان از: ا. م. شیری
۲۶ دسمبر ۲۰۱۵

"چپ تا زمانی که از ستالین اعاده حیثیت نکرده، هرگز نخواهد توانست راه در دل زحمتکشان باز کند، باید بنشیند و در همان خرقة پوسیده اش، به قول شاعر، فخر به حماقت کند".

رفیق زنده باد، نیما کوهبنانی

فرمانده کل قواء

(۱)



یوسف ویساریونویچ ستالین در روز ۲۱ دسمبر سال ۱۸۷۹ دیده به جهان گشود. رفیق ستالین، انقلابی، هم‌رمز لنین، یکی از سازندگان اتحاد شوروی و از سالهای ۱۹۲۰ تا پایان عمر خود در سال ۱۹۵۳ رهبر آن بود. برگزینی از زندگینامه او -تشکیل و توسعه اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی: صنعتی کردن، تعاونی کردن کشاورزی، انقلاب فرهنگی، سازندگی جامعه سوسیالیستی. میهن ما زیر رهبری ستالین بر المان فاشیستی پیروز شد و به یک ابرقدرت جهانی تبدیل گردید که راه بشر به فضا را گشود.

هنوز قبل از آن که ستالین در ۱۹ ماه جولای ۱۹۴۱ فرماندهی نیروهای دفاعی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی را به دست بگیرد و پس از سه هفته (۸ اگست) به جایگاه فرماندهی کل قوای آن ارتقاء یابد، او رهبری نیروهای مسلح اتحاد شوروی را عملاً به عهده داشت. از آنجا که ستالین هم‌زمان رهبری کمیته دفاعی، شورای کمیساریای خلق اتحاد شوروی و کمیته مرکزی حزب کمونیست سراسری (بلشویک) را عهده دار بود، او موفق شد همه اهرمهای دولتی و سیاسی را به سوی تحقق وظایف پیش روی کشور - در جهت پیروزی بزرگ بر المان هیتلری و متحدان آن معطوف نماید در سالهای جنگ برتری سبک رهبری خاص ستالین که نقش مهمی در تحقق این وظایف ایفاء کرد، آشکار گردید.

به قول جوانان ۴۰ - ۵۰ سال قبل: "مرد و حرفش!"

قول دادم، عمل کردم. منتها، از ابتداء نگفتم که به علت حجم نسبتاً بزرگ مقاله، در سه بخش آن را به علاقه مندان تقدیم خواهم نمود. اینک بخش اول:

جمع آوری اطلاعات

مقدم بر همه از همان روز اول جنگ ستالین سعی کرد اطلاعات قابل اطمینان از وضعیت مرز شوروی و المان که به جبهه وسیعی از دریای سیاه تا دریای پارنس امتداد می یافت، به دست آورد. بدین منظور، ستالین رابطه تلیفونی منظم با فرماندهی نظامی نواحی و رهبران حزبی جمهوریهای مرزی برقرار کرد. به موازات این، او شایسته ترین فرماندهان نظامی را به مهمترین مناطق جنگی اعزام نمود.

بدین ترتیب، آهنگ کسب اطلاعات ستالین در باره روند جنگ خیلی زود قوام یافت. ستالین هر روز سه بار به دقت به گزارشات مشروح کارکنان ستاد مشترک گوش می داد. به طوریکه س. م. شتمنکو، رئیس وقت شعبه عملیاتی ستاد مرکزی به خاطر می آورد، اولین آنها در ساعتهای ۱۰ - ۱۱، معمولاً از طریق تلیفون انجام می شد. این بخشی از کار من بود... بین ساعات ۱۰ - ۱۱، به ندرت با اندکی تأخیر، خود فرمانده به ما زنگ می زد. گاهی اوقات بعد از احوالپرسی، ولی اغلب بلافاصله می پرسید: "تازه چه خبر؟ رئیس اداره عملیاتی گوشی تلیفون در گوش از سر میزی به سر میز دیگر می رفت و در باره وضعیت گزارش می داد. در همه حال گزارندهی از جبهه هائی شروع می شد که درگیری در آنها شدید بود و طبق یک قاعده، از بخشهای حاد. اوضاع جبهه ها به ترتیب تشریح می گردید، هر جبهه ای به تفکیک به شکل اختیاری".

"اگر گزارش در باره موفقیت نیروهای ما بود، معمولاً قطع نمی شد. از تلیفون گاه گاهی صدای لب - خاص آدمهای سیگاری هنگام پک زدن - شنیده می شد. از قلم افتادن هیچ واحدی از ارتش را، حتی واحدی را که در خط آن هیچ اتفاق مهمی نیفتاده باشد، ستالین اجازه نمی داد. او همان لحظه از گزارشگر می پرسید: "پس کزاکها چه؟" گاهی وقتها در روند گزارندهی فرمانده کل دستوری برای اعلام به جبهه ها می داد. دستور به طور شفاهی تکرار می شد، یکی از معاونان رئیس اداره فوراً همه آن را کلمه به کلمه یادداشت می کرد و سپس به شکل سفارش یا دستور تنظیم می گردید".

به گفته شتمنکو، عصر هنگام، در حوالی ساعتهای ۱۶ - ۱۷، معاون رئیس ستاد به ستالین گزارش می داد و ما جمعبندی حوادث روز را شب هنگام گزارش می کردیم. قبل از آن نقشه اوضاع را به تفکیک جبهه ها و با نشان دادن موقعیت سربازان تا گردان، و در برخی موارد تا هنگ، در مقیاس ۱: ۲۰۰۰۰۰، تهیه می نمودیم. حتی با اطلاع دقیق از آن که کجا و چه اتفاقی در طول شبانه روز افتاده. ما در همه حال پیش از هر سفر ۲ - ۳ ساعت اوضاع را مورد بررسی قرار می دادیم، با فرماندهان جبهه ها و رؤسای ستاد آنها تماس می گرفتیم، جزئیات عملیات انجام شده یا در دست انجام را روشن می کردیم، مشورت می نمودیم و به کمک آنها صحت گزارشات شان را مورد تأیید قرار می دادیم، درخواستها و تقاضاهای جبهه ها را بررسی می کردیم و در آخرین ساعت، پیشنویس تهیه شده را به شکل امریه یا فرمان برای امضاء ویراستاری می کردیم".

به گواهی شتمنکو، "گزارشات ستاد مرکزی دارای یک نظم اکیداً دقیق بودند... گزارش ما با تشریح ویژگیهای اقدامات روز قبل ارتش شروع می شد. از هیچ یادداشت مقدماتی استفاده نمی شد. وضعیت به حافظه سپرده می شد و آن در نقشه بازتاب می یافت. پشت میز، در گوشه، یک کره جغرافیائی بزرگ قرار داشت. لازم است بگویم، که، من به رغم صداها

بار بازدید از این دفتر، هرگز ندیدم، از آن برای بررسی مسائل عملیاتی استفاده شود. بحث در باره راهنمای عملیاتی جبهه ها بر اساس کره جغرافیائی مطلقاً بی دلیل است".

به گفته شتمنکو، در حین گزارشدهی روزانه از اوضاع جبهه ها، گزارشگر ستاد کل از "جبهه ها، ارتش، واحدهای تانک و سپاه شبه نظامی با نام خانوادگی فرماندهی و فرماندهان، از گردانها با شماره" نام می برد. این قاعده بدین منظور برقرار شده بود که ستالین نام خانوادگی همه فرماندهان جبهه ها، ارتش و سپاه را دقیقاً به خاطر داشت. او حتی نام خانوادگی بسیاری از فرماندهان گردانها را هم به خاطر داشت.

ستالین با آگاهی به اهمیت اطلاعات دقیق و به موقع برای اتخاذ تصمیمات درست، در مقابل کمترین تأخیر در ارائه گزارشات میدانی به شدت واکنش نشان می داد. مارشال اتحاد شوروی، آ. م. واسیلیوفسکی در خاطرات خود می نویسد که چگونه او یک بار در ارائه جمعبندی عملیات به ستالین مردد بود و به ازای آن به طور کتبی شدیداً توبیخ شد. ستالین نوشت: آخرین بار به شما هشدار می دهم که اگر شما فقط یک بار دیگر وظیفه خودتان را در مقابل ستاد فراموش کنید، از مقام ریاست ستاد کل برکنار و از جبهه خارج خواهید شد".

به نظر می رسد سرزنشهای ستالین بیش از حد سختگیرانه بودند، اما واسیلیوفسکی او را تبرئه می کند. مارشال نوشت: "ستالین تنها در برخورد با من چنین قاطع نبود. او همه مقامات ستاد را به رعایت نظم ملزم می دانست... تصور می کنم که حقانیت مدیریت عملیات جبهه ها سختگیری با مسوولان ستاد را توضیح می دهد. فرمانده کل قواء روند حوادث جبهه ها را با دقت بسیار زیر نظر داشت، در مقابل همه تحولات در آنها به سرعت واکنش نشان می داد، سکان هدایت نیروها را در دست خود محکم گرفته بود".

ستالین در رابطه با کیفیت اطلاعات دریافتی هم دقیق بود. به گفته گنورگی ژوکوف، مارشال اتحاد شوروی، "گزارشدهی به ستالین مثلاً با نقشه ای که روی آن یک لکه سفید مانده باشد یا دادن اطلاعات تقریبی به او، به ویژه بزرگمائی اطلاعات ممکن نبود. پاسخ تصادفی را ستالین اصلاً تحمل نمی کرد، همیشه خواستار جامعیت و شفافیت بود. او استعداد عجیبی در تشخیص نقاط ضعف گزارشها و مدارک داشت، آنها را نشان می داد و در همان حال، با مسوولان اطلاعات غیر شفاف برخورد می کرد. حافظه او بسیار قوی بود، گفته ها را خوب به خاطر می سپرد، مسوول موارد احتمالاً فراموش شده را مورد مؤاخذه قرار می داد. به همین دلیل هم ما سعی می کردیم مدارک ستاد را با تمام دقتی که آن روزها می توانستیم به کار ببریم، تهیه کنیم".

ستالین در رابطه با سهل انگاری در تشریح وقایعی که نیازمند بررسی بودند، سختگیر بود. مارشال رسته توپخانه، ن. د. یاکوفلیف، یادآور می شود: "اختفای واقعیت موجود برای ستالین قابل تحمل نبود".

در همین حال، به اذعان س. م. شتمنکو، تلاش فرماندهان واحدها برای تحریف وضعیت واقعی، دست کم، برای بی اهمیت نشان دادن شکست در جبهه ها یا بزرگمائی موفقیتها، یک مصیبت جدی در کار ستاد مرکزی بود. او می نویسد که چگونه "رئیس ستاد فرماندهی جبهه یکم اوکراین به خاطر تعلل در اعلام تصرف یکی از مناطق مسکونی از سوی دشمن به ستاد مرکزی با امیدواری به آزادسازی سریع آن، از مقام خود برکنار شد".

ادامه دارد...

* محقق تاریخ

<http://kprf.ru/history/party/149992.html>

۲ دی - جدی ۱۳۹۴